

به ادامه گذشته

فقیر محمد ودان

5 دسامبر 2012

## برخی مسایل پیرامون وظایف مبرم کنونی ما

قسمت چهاردهم

حزب افزار سیاسی در یک نظام اجتماعی - اقتصادی عصری (مُدرن) است . این افزار نیز می باید مانند تمامی افزارهای عصری دیگر ، دارای آن مختصات کمی و کیفی و از جمله مختصات ساختاری مهندسی شده باشد که عملکرد لازم در وضعیت موجود را جهت تسهیل و تسریع پروسه اجرای بهتر وظیفه مطلوب تبارز دهد . حزب آن افزاری است که می باید در یک نظام دموکراتیک - برعکس افزار سنتی بدست آوردن قدرت دولتی از طریق توطئه یا بکاربرد زور و خشونت مانند کودتا ، جنگ های فرسایشی و لشکر کشی علیه نظام های استبدادی - با تحمیل فشار سیاسی یا اعمال نفوذ دموکراتیک بر ساختارهای دولتی و درنهایت با بدست آوردن قدرت دولتی از طریق دموکراتیک ؛ امکانات دولت را جهت تعمیم و تحقق اهداف برنامه‌ی خویش بکار گرفته و بدینوسیله رشد و انکشاف ظرفیت های اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی جامعه را در جهت این اهداف استقامت بخشد .

احمال دموکراتیک فشار سیاسی بر ساختار های محلی و مرکزی قدرت و اداره دولتی ، نفوذ دموکراتیک و قانونی درین ساختار ها و یا بدست آوردن قدرت دولتی به طرق دموکراتیک بوسیله یک حزب ، صرف می‌تواند از طریق تماس های دوامدار و پیگیر دوجانبه میان اعضای این حزب و تمامی اقشار و لایه های اجتماعی کشور میسر گردد که این روابط نتایج دوگانه ذیل را در قبال داشته باشد :

1- این روابط دوجانبه از یک طرف و در نتیجه کار پیگیر و دوامدار اعضای حزب ، به رشد درک سیاسی و تنویر و تفهیم افراد جامعه در رابطه به اهداف جاری و دورنمایی اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی حزب کمک نماید و

2- از طرف دیگر ، خود اعضای حزب با آموزش از افراد جامعه ، خواسته های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی آنان را در اوضاع و احوال مختلف زمانی درک نموده و به حزب انتقال دهند تا ساختارهای محلی و مرکزی موظف حزب ، این خواسته ها را بعد از تفکیک و جمع بندی ، مضمون سیاسی بخشیده ، در وضعیت سیاسی (محلی و یا هم سرتاسری) کشور مطرح و جهت برآوردن آنان ، فشارهای علنی سیاسی حزب را بر دستگاه های محلی و یا هم مرکزی قدرت و اداره دولتی

سازماندهی و تحمیل نموده و در صورت حضور در قدرت دولتی آنان را مورد اجرا قرار داده ، تحقق بخشد .

تداوم جریان اطلاعات و آموزش دوجانبه فوق الذکر از رأس و سطوح بالا ، بسوی قاعده هرم تشکیلاتی حزب و فراتر از آن بسوی اقشار و لایه های متعدد اجتماعی و برعکس آن ، نه تنها باعث جلب آگاهانه حمایت و آرای مردم از حزب میگردد بلکه بمثابة دوران خون در پیکر تشکیلات موجود حزب ، سلول های ساختاری فعال حزب را تغذیه نموده و در مجموع حزب را به ساختار زنده با فعالیت ارگانیکی (انداموار) مبدل مینماید . درحزب فاقد تشکیلات فعال ، دوران اطلاعات و آموزش دوجانبه فوق الذکر ، مسیر لازم در پیکر تشکیلاتی حزب نیافته ، بدین ملحوظ چنین نهادی حزب زنده سیاسی نه بلکه پیکرمومیایی شده یک حزب متوفا ، یا مدل محجر حزب گونه یی و یاهم شبهه تخیلی یی ، بیش نیست .

باید تذکار نمود که یکی از مشکلات اساسی احزاب سیاسی کشورما در وضعیت کنونی ، این واقعیت نیز است که آنان در وضعیت اجتماعی - اقتصادی یی مبارزه مینمایند که حرکت آغاز شده جامعه بسوی مدرنیسم ، بارها و در طول سالهای متمادی اخلاص گردیده و هم اکنون نیز برخی نهادها و همچنان افکار و روان سنتی عقبگرا و افراطی اجتماعی - با تجسم و تبارز خود در وضعیت سیاسی و از جمله در ساختار های دولتی و احزاب - در برابر آن مقاومت نموده ، تلاش بعمل می آورند تا با گرایشهای انحصارگرانه کثرت ناپذیر ، باز هم پروسه تکوین و قوام ارزشهای دموکراتیک و همچنان جریان رشد سایر مختصات جامعه مدرن را اخلاص نمایند . تبارز چنین گرایشهای زمان زده بوسیله افراد و نهادهای متذکره - که مظهر عقبماندگی ، عدم اعتماد به نفس و نبود بلوغ و شجاعت سیاسی آنان محسوب میگردد - در برابر احزاب سیاسی خردورز ، مشکلات ایجاد نموده و مینماید .

نیروهای خرد ورز سیاسی ، بادرک از وضعیت عینی کنونی کشور و رسالت تاریخی شان بخاطر تداوم معقول پروسه تغییر و تحول جامعه ، میباید افزار سیاسی (حزب) شان را در چنین وضعیتی - هم از لحاظ اندیشه یی و هم از لحاظ ساختاری - منطبق با واقعیت های مرحله کنونی رشد اجتماعی و اقتصادی کشور ، چنان تعمیر نموده و طوری بکار گیرند که این افزار بتواند کارایی مطلوب را در تسهیل و تسریع پروسه دستیابی به اهداف مطروحه و انجام وظایف محوله تبارز دهند . زیرا هر حزبی که بطور طبیعی در بستر رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه و با اتکا به نیروهای اجتماعی بالنده عملاً موجود آن مرحله تاسیس میگردد و وظیفه حل استراتژیک معضلات عینی موجود را در برابر خود قرار میدهد ، حزب واقعیتگرای خردورز زمان خود است ، نه حزب ایدولوژیک غرق در تخیلات ارتجاعی و یا ماجراجویانه راست و چپ افراطی .

بدین ملحوظ ساختار تشکیلاتی حزب سیاسی خردورز می باید چنین انسجام یابد که بتواند حضور خود را با بکاربرد انواع مختلف اشکال کار سیاسی ، تبلیغی و ترویجی و محتوای مناسب ، معقول و تاثیرگذار آنان در تمامی ساحات جغرافیایی کشور و در هر محلی و نهادی تامین نمایند که مردم (شامل مجموع شهروندان کشور) در آن ها به کار و زندگی مصروف اند . همچنان حزب باید به تاسیس و انسجام عملی چنان نهادهای در ساختار درونی خویش اقدام نماید که او را قادر سازد تا با تفکیک شیوه های مؤثر و صادقانه کارسیاسی ، هم در نهادهای مدرن (شهر ها ، ارگانهای دولتی ، موسسات تعلیمی ، تحصیلی و تحقیقاتی ، دستگاههای تولیدی صنعتی ، فارم های مکانیزه زراعتی ، موسسات ساختمانی و استخراج معادن ، سازمانهای اجتماعی و کلپ های سپورتی ) و هم در نهادها و ساختارهای سنتی (دهات و مزارع سنتی، مدارس و سایر ساختارهای دینی و مذهبی ، ساختار های قومی ، قبلوی و غیره) ، به فعالیت بپردازد .

بادر نظر داشت مشخصات فوق ، اساسنامه جدید حزب وطن «واحد های اولیه اصلی و شعبوی» حزب را بمثابة واحد های اولیه وظیفوی در ساختار حزب ، تعریف مینماید . بنابراین ، این واحد های ساختاری که سرتاسر قاعده هرم تشکیلاتی حزب را در گستره تمامی ساحه جغرافیایی کشور و مطابق به محلات زیست و یاهم محلات کار ، پوشش میدهند ، منشه حزبییت ( حلقه گسترده رابطه دوجانبه میان حزب و مردم ، همچنان مبدۀ مسوولیت و مخرج قدرت و صلاحیت حزبی) محسوب میگردند . حزبییت از همین واحد های وظیفوی در ساختار حزب ، یعنی از قاعده هرم تشکیلاتی حزب آغاز و بسوی رأس این هرم امتداد یافته و میباید مضمون آن در مسیر این امتداد پیوسته غنا کسب نموده و تکامل نماید . در ماده چهاردهم اساسنامه جدید حزب ، تحت عنوان «واحد های اولیه حزب» ؛ چنین میخوانیم :

«واحد های اولیه حزبی ، واحد ساختاری حزب بوده ، بمنظور تامین تماس دائمی و گسترده با مردم ، در محلات زیست (یاهم محلات کار) تشکیل گردیده، بنام «واحد های اولیه حزبی» همان محل ، یاد میگردند . واحد های اولیه حزبی میتوانند نظر به کثرت کمیت اعضای خویش به دو و یا چند واحد شعبوی تقسیم گردند .

تمام اعضای حزب ، صرفنظر از مقام حزبی شان، در یکی از واحد های اولیه حزبی تنظیم گردیده ، از کار و فعالیت خود در رابطه به : ارتقای سطح درك علمی - سیاسی خویش، تبلیغ و ترویج اهداف و آرمانهای حزب در میان مردم و جلب و جذب بهترین نماینده گان شان به عضویت حزب و سایر فعالیت های حزبی گزارش داده ، حق العضویت خویش را میپردازند . واحد های اولیه حزبی (و شعبات آنان نیز) نظر به کثرت تعداد اعضای خویش میتوانند به گروه های حزبی تقسیم گردند . گروه های حزبی با موجودیت حد اقل ده عضو دريك محل زیست (یا محل کار) تشکیل میگردند . در غیر آن اعضای حزب به گروه حزبی محل نزدیک ، معرفی میشوند .

هر واحد اولیه حزبی تحت نظر هیئت رهبری خویش متشکل از مسوول هیئت رهبری ، معاون و اعضای آن، فعالیت مینماید . هیئت رهبری بوسیله جلسه عمومی واحد اولیه حزبی برای مدت یکسال انتخاب میگردند . هر عضو هیئت رهبری گروه حزبی مسوول پیشبرد امور يك و یا چند گروه حزبی میباشد . جلسات عمومی واحد های اولیه حزبی هر سه ماه یک مرتبه ، با شرکت حد اقل دو ثلث اعضای خویش و جلسات گروه های حزبی ماه يك مرتبه تحت نظر مسوول گروه حزبی مطابق به طرز العمل و اجندای معین دایر میگردد . در صورت ضرورت، جلسات واحد های اولیه و گروه های حزبی میتوانند بطور فوق العاده نیز دایر گردند .

درخواست داوطلبان انفرادی عضویت به حزب ، مطابق به طرز العمل شعبه تشکیلات مرکزی حزب ، توسط گروه های حزبی اخذ و در جلسات واحد های اولیه حزبی مربوط ، در زمینه پذیرش و عدم پذیرش آنان تصمیم اتخاذ میگردد . «

افزون بر آن جلسات عمومی واحد های اولیه حزب بنیاد انتخاب اعضای کنفرانس های سطوح بالایی حزبی در هرم تشکیلاتی حزب و بدین طریق بنیاد انتخاب اعضای مجمع عموی حزب و سایر ارگانهای رهبری کننده محلی و مرکزی حزب محسوب میگردد . درین زمینه در ماده دهم اساسنامه جدید حزب وطن ؛ چنین آمده است :

«کنفرانسهای محلی حزبی عالیترین ارگان رهبری کننده سازمانهای محلی حزبی (ولایتی ، ولسوالی، شهری و نواحی شهر) و معادل آنها اند . کنفرانسهای محلی حزب هرچار سال يك مرتبه در آستانه تدویر مجمع عالی حزب دایر میگردند .

جلسات عمومی واحد های اولیه حزبی اعضای کنفرانس ساختار تشکیلاتی مافوق ( مثلاً ولسوالی و یا ناحیوی) را ، کنفرانس های ساختارهای تشکیلاتی ماتحت ،اعضای کنفرانس های ساختارهای تشکیلاتی مافوق را و کنفرانس های ولایتی(معادل آن) اعضای مجمع عمومی حزب را مطابق طرز العمل و سهمیه تصویب شده به وسیله شوراهای مافوق خویش ،انتخاب مینمایند . «

مطابق به اساسنامه جدید حزب وطن کنفرانس های محلی در ساختار حزبی نه تنها اعضای کنفرانس مافوق خود بلکه اعضای شوراهای رهبری کننده ساختار های حزبی محل و از طریق آن اعضای هیئت اجراییه و رئیس شورای مربوطه خویش را نیز انتخاب مینمایند . تسجیل این مسئله در بخشی از ماده یازدهم اساسنامه حزب وطن چنین صورت گرفته است :

« اعضای شوراهای محلی حزبی (ولایتی ، ولسوالی ، شهرها ، نواحی شهر و معادل آنها) بوسیله کنفرانس های حزبی سازمانهای مذکور انتخاب میگردند. ... »

مشخصه دیگر ساختار تشکیلاتی یک حزب دموکرات ، خردورز و کثرت گرا اینست که بخشهای درونی ساختاری آن (شعبات مرکزی و محلی کار اختصاصی مانند تشکیلات ، تبلیغ و ترویج ، سازمانهای اجتماعی ، روابط خارجی ، مالی و اسناد ...) و چگونگی عملکرد ارگانیک و بهم مرتبط این بخشها ، قسمی انتظام یابند که از یک جانب صلاحیت توأم با مسوولیت در سطوح مختلف سلسله مراتب (هیرارشی) هرم تشکیلاتی حزب (نهاد های رهبری جمعی مرکزی مانند : مجمع عمومی ، شورای سراسری ، هیئت اجراییه شورای سراسری ، ریاست حزب ، کمیسیون تفتیش و نظارت مرکزی و نهاد های محلی آن مانند : کنفرانس های سازمانهای ولایتی ، شهری ، ناحیوی شهر ، ولسوالی و سازمانهای معادل هر یک از آنها در داخل و یا خارج از کشور، شوراهای هیئت های اجراییه و ریاست هیئت های اجراییه این سازمانها) تقسیم گردیده و بدین وسیله از تمرکز قدرت در بالاترین سطوح و در رأس هرم تشکیلاتی حزب - که باعث اِعمال یک جانبه قدرت از بالا ، تبارز سلطه کیش شخصیت ، تیم رهبری و رهبران مادام العمر و میراثی میگردد - جلوگیری بعمل آورد و از جانب دیگر پایه های قدرت و صلاحیت بر سطوح پائین هرم تشکیلاتی مذکور اتکا داشته ، از سطوح پائین و گسترده این هرم شکل گرفته و بسوی رأس آن امتداد یابد .

به ملحوظ فوق اساسنامه حزب وطن مانع تمرکز قدرت و صلاحیت ارگانهای رهبری کننده و بخصوص مانع تمرکز قدرت بدست رهبران مرکزی و محلی گردیده و بر تقسیم متناسب قدرت و صلاحیت به نهاد های رهبری کننده جمعی در سطوح مختلف هرم تشکیلاتی ، امر مینماید . به همین منظور در بخش «ب» ، فصل دوم اساسنامه حزب ، تحت عنوان کوچک «مقامات رهبری کننده محلی حزب» ؛ چنین آمده است :

«مقامات محلی رهبری کننده حزب بادر نظر داشت اصول مندرج مرامنامه و اساسنامه حزب ، عملکرد خویش را مستقلانه و با قبول مسوولیت ، مطابق به خواستههای مردمان ، وضعیت و ضرورت محلات شان ، عیار ساخته و تلاش مینمایند حرکت سیاسی این مردم را تشویق ودر مطابقت با اهداف موقتی و دورنمایی حزب ، سمت داده و رهبری نمایند.»

متن و محتوای مواد مختلف فصل دوم (مواد 4 - 14 ) اساسنامه حزب وطن ، که ساختار تشکیلاتی حزب ، شامل ساختار مقامات رهبری کننده مرکزی و محلی حزب و صلاحیت ها و مسوولیتهای هر یک از این نهاد ها را تعریف مینمایند ، مؤید این حقیقت اند که صلاحیت ها و مسوولیت ها در سطوح مختلف نهادهای جمعی رهبری کننده حزب تقسیم گردیده و رهبران مرکزی و محلی حزب صرف بمتابسه «ممثل و سازمانده» تحقق آن سیاست هایی عمل مینمایند که آنها را

نهاد های رهبری جمعی حزبی در سطوح مختلف هرم تشکیلاتی ، فیصله نموده اند . مثلاً در بخشی از ماده چهارم اساسنامه حزب وطن ، در مورد صلاحیت های رئیس شورای سراسری (رهبر) حزب ؛ چنین میخوانیم :

«رئیس شورای سراسری حزب ، صرف ممثل و سازمانده تعمیم سیاست ها و فیصله های رسمی حزب بوده ، در قبال صحبت ها ، اجراءات و روابط سیاسی خویش ، مسوولیت شخصی داشته و مکلف است در تمام موارد مذکور به هیئت اجراییه شورای سراسر حزب گزارش دهد».

اصول مندرج اساسنامه حزب وطن بر مسوولیت مجموع کادرهای رهبری سطوح مرکزی و محلی حزب وطن در برابر نهاد های جمعی رهبری کننده همسطح و سطوح مافوق ساختار حزب (مجمع عمومی ، کنفرانس های محلی ، شورای سراسری ، شوراهای محلی و هیئت های اجراییه مربوطه) مسوولیت داشته و از این نهاد ها دستور می پذیرند .

حزب سیاسی دارای شخصیت حقوقی تعریف شده بی است که می باید عملکرد ارگانیک ساختار های درونی خود را قبل از همه مبتنی بر ارزشهای مطرح در مرامنامه و اساسنامه ، فیصله ها ، تصاوید ، رهنمود ها و دستورالعمل های مقامات رهبری کننده خویش ، بطور رسمی عیار ساخته و چگونگی اجرا و نتایج آن را مبتنی بر سیستم رسمی گزارشدهی انسجام ببخشد . به همین ملحوظ در اساسنامه حزب وطن مجموع مسایل معطوف به صلاحیت های اتخاذ تصامیم پیرامون وظایف و تفویض آنان ، تشخیص مقامهای محول کننده و تحویل گیرنده وظایف و هم مسائل مربوط به گزارشدهی از چگونگی اجرا و نتایج وظایف محول شده ، صراحت یافته اند . چنین برخورد ، مسوولیت ها را مشخص ساخته ، تداوم فعالیت ساختارهای داخلی حزب را سمت داده و تضمین مینماید و در نهایت به اصل نظارت و تفتیش ، زمینه های مشخص تدارک مینماید . بادر نظر داشت ضرورت تعمیم اصل نظارت بر چگونگی تحقق اساسنامه حزب بوسیله نهاد های داخلی و اعضای حزب و همچنان تفتیش و بازرسی از چگونگی اجرای وظایف محوله به آنان است که در اساسنامه حزب وجود «کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی» بمثابه ساختار با صلاحیت و مستقل از هیئت اجراییه شورای سراسری حزب ، تسجیل گردیده که رئیس (مطابق بند دوم ماده ششم اساسنامه) و اعضای آن ( مطابق بند چهارم ماده ششم اساسنامه) توسط شورای سراسری حزب و از میان اعضای این شورا انتخاب میگردند . در مورد صلاحیت ها و وظایف کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی و سایر کمسیون های ممثل محلی آن ، ماده نهم اساسنامه جدید حزب وطن ، چنین تصریح میدارد :

«کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی بر چگونگی رعایت و تطبیق اساسنامه حزب بوسیله اعضا ، مقامات و سازمانهای حزبی نظارت نموده و از چگونگی امور مالی حزب تفتیش و بازرسی بعمل آورده ، خلاف رفتاری ها را تشخیص و برملا ساخته و جزا های لازم برای مرتکبین را به مقامات حزبی پیشنهاد مینماید . کمسیون نظارت و تفتیش و شعبه تشکیلات مرکزی حزب ، لایحه مکافات و مجازات اعضای حزب را تنظیم و بعد از تصویب هیئت اجراییه شورای سراسری حزب ، نافذ میگردد . در صورت اختلاف نظر میان هیئت اجراییه و کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی ، مسنله جهت فیصله به شورای سراسری حزب محول میگردد .

برحسب ضرورت کمسیون های نظارت و تفتیش محلی در جنب شوراهای محلی حزبی تشکیل و مطابق به طرزالعمل کمسیون نظارت و تفتیش مرکزی ، فعالیت مینمایند.»

فعالیت حزب سیاسی متناسب به گستردگی عرصه های آن در برخی موارد تدارک وجوح مالی و مصرف مجدد آن را ایجاب مینماید . بمنظور شفافیت این اصل ضرور ، فصل سوم و ماده شانزدهم اساسنامه حزب اختصاص یافته است . متن این ماده در زمینه تصریح میدارد که : « امور مالی و

مصارف حزب از طریق پرداخت حق العضویت اعضای حزب ، کمک های مالی آنان و سایر هواداران حزب ، فروش مطبوعات و نشرات حزبی ، همچنان تشبسات اقتصادی حزب و سایر منابع قانونی و مشروع ، تمویل میگردد .

حزب عواید و مصارف خویش را مطابق به اصول پذیرفته شده حسابی و کاملاً شفاف درج و از طریق حساب بانکی انجام میدهد.»

در نهایت این تذکار ضرور است که محسنات و ارزشهای مندرج مراننامه و اساسنامه حزب صرف سند تثبیت محتوی و سمتدهنده کار و فعالیت حزب وطن در جهت دستیابی به اهداف و آرمانهای این حزب است . ولی تحقق این اهداف و آرمانها تا حدود زیاد به تحرک ، وقف و فداکاری و ابتکار اعضای حزب وطن و بخصوص کادر ها و فعالین سطوح مختلف مرکزی و محلی آن مربوط و منوط میگردد . در غیر آن این محسنات صرف میتوانند بمثابه مفاهیم زیبا و بدون ثمر ، روی کاغذ باقی بمانند .

ختم